

بررسی تطبیقی دلالت آیه فاستلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فریقین

حسین عبدالمحمدی*

چکیده

آیات متعددی از قرآن کریم، بر مرجعیت علمی اهل بیت (ع)، دلالت می‌کند. برخی از آیات، به طور روشن و با دلالت مطابقی و برخی دیگر، با دلالت التزامی، بیان شده است. از جمله آیاتی که به صراحت، مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام را بیان کرده، آیات ۴۳ سوره نحل است که، در سوره انبیا آیه ۷ با تفاوت اندکی تکرار شده است. خداوند متعال می‌فرماید: وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ در این مقاله پس از بررسی مفاهیم کلیدی، دیدگاه‌های مختلف در باره مصداق اهل ذکر مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا دیدگاهی که بر اساس سیاق آیات، اهل ذکر را اهل کتاب می‌داند، مطرح شده و اشکالات آن بیان گردیده و سپس محذور دیدگاهی که آیه را از جهت سائل، مسئول و مسئول عنه عام می‌داند، روشن شده است. و در پایان دیدگاه کسانی که از فریقین با تکیه بر روایات، مصداق اهل ذکر را اهل بیت علیهم السلام می‌دانند تبیین و روایاتی که در منابع فریقین در این باره آمده مورد توجه قرار داده است.

واژگان کلیدی: اهلیت؛ مرجعیت علمی؛ اهل ذکر؛ قرآن؛ پیامبر

* استادیار علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه.

مقدمه

مرجعیت علمی و دینی بعد از پیامبر اکرم (ص)، از مسائلی است که در بین فرق اسلامی همواره مورد اختلاف بوده است. پیروان مکتب اهل بیت معتقدند ائمه علیهم السلام با توجه به دارا بودن مقام عصمت و علم لدنی (که در جای خود با براهین عقلی و نقلی اثبات شده است)، تنها مرجع علمی بعد از پیامبر اعظم (ص) هستند که، برای فهم درست کتاب و سنت، باید به ایشان مراجعه کرد. و برای این ادعا، علاوه بر ادله عقلی به آیات و روایاتی استدلال می کنند. از جمله آیاتی که به آن استدلال کردند، آیات ۴۳ سوره نحل است که در سوره انبیا آیه ۷، با تفاوت اندکی تکرار شده است. خداوند متعال می فرماید: وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ وپیشاز تو، جز مردانی که به آنها وحی می کردیم، نفرستادیم! اگر نمی دانید، از آگاهان بپرسید.

در این مجال، دلالت این آیه را از منظر فریقین، مورد بررسی قرار می دهیم. قبل از هر چیز واژه های کلیدی را مفهوم شناسی می کنیم:

مفهوم شناسی واژه های کلیدی

۱. واژه "اهل"

أهل به معنای خانواده، خاندان. أهل الرجل در اصل کسانی اند که با او در یک خانه زندگی می کنند، بعد بطور مجاز به کسانی که آنها را یک نسب جمع میکند اهل بیت آن مرد گفته اند. اهل مرد، عشیره و اقربای اوست و أهل الامر والیان امرند، اهل خانه، ساکنان آن ست و اهل مذهب، عقیده مندان آن می باشد و اهل در صورتی استعمال میشود که میان افراد، پیوند جامعی بوده باشد به همین جهت، در قرآن مجید آمده: أَهْلُ الْكِتَابِ... أَهْلُ الْإِنجِيلِ... أَهْلُ الْقُرَى... أَهْلُ الْمَدِينَةِ... أَهْلُ الْبَيْتِ... أَهْلُ الذِّكْرِ... أَهْلُ هَذِهِ الْقَرْيَةِ... أَهْلُ النَّارِ... أَهْلُ - التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ. (مفردات راغب، ج ۱، ص ۹۹؛ قاموس قرآن، ج ۲، ص ۱۳۵)

قرآن کریم، آنان را که با پیغمبری هم عقیده باشند و به او ایمان آورند اهل او و ذریه او میداند و کسانی را که فرزند نسبی وی باشند در صورت ایمان نیاوردن از اهل او، بیرون میداند؛ در باره حضرت نوح آمده که: نوح بعد از طوفان و غرق شدن پسرش گفت: «رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ

ذُرِّيَّتِي
فَكَفَى بِي
وَدَّعَيْتِي

بررسی تطبیقی دلالت آیه فاسئلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فریقین

أَهْلِيَّ وَ إِنِّي وَغَذَّكَ الْحَقُّ» هود: ۴۵ یعنی خدایا پسر من است و وعده تو حق است وعده داده بودی که اهل مرا از غرق نجات دهی پس چرا پسر من غرق شد؟ خدا در جواب فرمود «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ» هود: ۴۶ یعنی او حتما از اهل تو نیست او عمل غیر صالح است. بنابر این اهل ذکر، به کسانی که در مساله ذکر با یکدیگر اشتراک دارند اطلاق می شود.

۲. واژه "ذکر"

معنای ذکر در لغت عبارت است از حفظ و یاد آوری چیزی.

راغب اصفهانی می گوید:

گاهی مراد از ذکر، هیئت نفسانی است که شخص، به واسطه آن میتواند آنچه از دانائی به دست آورده، حفظ کند و آن مانند حفظ است، الا آنکه حفظ باعتبار نگهداشتن و ذکر باعتبار حاضر کردن آن در ذهن است. و گاهی به حضور شیء در قلب و هکذا به قول اطلاق میشود. تذکره به معنای پند دادن و چیزی را به یاد کسی آوردن است. تذکر از باب تفعل به معنی یاد آوری است. و یاد کردن، خواه با زبان باشد یا با قلب و هر دو خواه بعد از نسیان باشد یا ادامه حفظ. (مفردات الفاظ القرآن لکریم، راغب اصفهانی ص ۳۲۸)

مؤلفان کتاب العین (ج ۵؛ ص ۳۴۱) و لسان العرب (ج ۴؛ ص ۳۰۸) نیز، همانند مفردات تعریف کردند اما تعریف راغب اصفهانی جامع تر است.

ذکر در اصطلاح قرآن

واژه ذکر در قرآن کریم در معانی مختلفی به کار رفته است:

۱. یادکردن و یادآوری: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا. (احزاب ۴۱)
ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را یاد کنید؛ یادی بسیار، و صبح و شام او را به پاکی بستايند.

در این آیه، بحث از کثرت و کمیت ذکر است؛ چنان که باز می خوانیم:

فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا (بقره ۲۰۰) و چون اعمال حج خود را به جا آوردید، خدا را یاد آورید؛ همان گونه که پدران خود را به یاد می آورید، یا با یادکردنی شدیدتر.

این آیه کیفیت ذکر را یادآوری می کند:

وَ ذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ (ذاریات: ۵۵) تذکر در این آیات و نظایر آنها، به معنی یاد آوری و پند دادن است.

۲. معارف الهی: اَوْ عَجَبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (سوره اعراف) آیاتعجب کردید که بر مردی از خودتان، پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده تاشماراییم دهدوتا شماپرهیزگاری کنیدوباشد که موردرحمت قرارگیرید؟!»

۳. قرآن: إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (سوره حجر ۹) ما قرآن را کردیم و ما قطعاً نگهداریم.

۴. وحی: أُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ (سوره قمر ۲۵) آیازمیان ماتنهابراووحی نازل شده؟! نه، اوآدم بسیاردروغگوی هوسبازی است!

۵. رسول خدا ص: ...قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا شَوْلاً يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ.. (سوره طلاق آیه ۱۰) خداوندچیزی که مایه تذکرشماست برشمانازل کرده.رسولی به سوی شمافرستاده که آیات روشن الهی رابرشماتالوت می کند، تآنهاراکه ایمان آورده، وعمل صالح انجام داده انداز تاریکی هابه نورهدایت کند.

واژه "اهل ذکر"

ترکیب "اهل ذکر" جز در آیات مذکور (سوره های نحل و انبیا) در قرآن کریم یا اصطلاح اهل لغت نیامده است. از این رو، مصداق اهل ذکر چه کسانی هستند، مورد اختلاف قرار گرفته است. در این جا، اقوال مفسران را مورد بررسی قرار می دهیم.

مصداق اهل ذکر از منظر مفسران

عده ای از مفسران بر اساس سیاق آیات، مصداق اهل ذکر را اهل کتاب می دانند، اما در مقابل، برخی از مفسران، بر اساس تجزیه و تحلیل آیات مذکور و روایات، مصداق آن را اهل بیت پیامبر

بررسی تطبیقی دلالت آیه فاسئلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فریقین

(ص) می دانند و عده ای، مطلق اهل علم را، مصداق اهل ذکر می دانند. در این جا، اقوال سه گانه فوق را با مستندات آنها بررسی می کنیم.

۱. اهل کتاب مصداق اهل ذکرند

عده ای از مفسران بر آنند که مقصود از اهل ذکر، اهل کتاب و بالخصوص یهودی ها می باشند، زیرا آیه ۴۳ سوره نحل، بیانگر کیفیت ارسال رُسل و انزال کتب آسمانی است؛ چون مشرکان معتقد بودند که بشر نمی تواند پیامبر باشد فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا (سورة تغابن آیه ۶)؛ می گفتند: پیامبر یا باید خودش فرشته باشد یا فرشته او همراهی کند وَ قَالُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ (سورة انعام آیه ۸).

یا اینکه می گفتند: وَ قَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْ لَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا؛ (سورة فرقان آیه ۷) و گفتند: این چه پیغمبری است که طعام می خورد، و در بازارها راه می رود، چرا فرشته ای بر او نازل نشده که او را، در آمر انداز مددکار باشد. خلاصه، سخن مشرکان این است که، بشر نمی تواند پیامبر باشد.

این گروه از مفسران می گویند: با دقت در سخنان مشرکان و سیاق آیات سوره نحل، نشان می دهد که آیه ۴۳ سوره نحل می فرماید: رسالت در بشر عادی محقق می شود، جز اینکه آن بشر مورد وحی الهی قرار می گیرد، و رسالت آنان همراه معجزات و بیان معارف الهی است. اگر قبول ندارید فاسئلوا اهل الذکر از اهل کتاب پرسید چرا؟

چون مشرکان با علمای اهل کتاب، رابطه صمیمی داشتند و مورد احترام آنان بودند و به برتری آنان ایمان داشتند، مخصوصاً با در نظر داشتن اینکه یهودی ها، دشمن رسول خدا بودند و نبوتش را رد می کردند.

از طرف دیگر، یهودی ها از مشرکان حمایت می کردند و می گفتند: (وَ يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا سَبِيلًا) (نساء ۵۱)

هم اینان [مشرکان]، راهشان از راه مؤمنین صحیح تر است. (علماء اهل سنت کسانی که می گویند اهل ذکر یهود و نصاری هستند. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۳، ص ۲۲۷؛ ناشر دار احیا التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق؛ سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، ج ۲، ص ۲۷۵، بحر العلوم، جلال الدین - جلال الدین سیوطی - تفسیر جلالین، ج ۱، ص ۲۷۵؛ ابن کثیر دمشقی - تفسیر القرآن العظیم [ابن کثیر] ج ۴، ص ۴۲۹، التفسیر الوسیط للقرآن

الکریم، ج ۸، ص ۱۵۷؛ سید محمد طنطاوی، حقی بروسوی اسماعیل - تفسیر روح البیان، ج ۵، ص ۳۸؛ نیشابوری نظام الدین حسن بن محمد - تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۴، ص ۲۶۴ سیوطی جلال الدین - الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۴، ص ۱۱۸؛ ابن خبری غرناطی، محمد بن احمد - کتاب التسهیل لعلوم التنزیل؛ زمخشری محمود - الکشاف عن حقایق عوامض التنزیل؛ علمای شیعه: طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۴۲۸ - ج ۱۲، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۱۴۴، مکارم شیرازی ناصر؛ کاشانی، ملافتح الله - زبدة التفاسیر - کاشفی سبزواری، حسین بن علی - ج ۵۸۳؛

مفسران شیعه که نامشان برده شد، اضافه می کنند: اگر فاسئلوا اهل الذکر را به تنهایی در نظر بگیریم و با توجه به این که مورد مخصّص نیست، آیه شریفه قاعده کلی بیان می کند که، هم سائل و هم مسئول و هم مسئول عنه، عام است، یعنی هر جاهلی هرچه را نمی داند، باید از عالم به آن چیز بپرسد، این طایفه، از مفسران روایاتی که رسول گرامی اسلام را ذکر و اهل بیت (ع) را اهل ذکر می داند، یکی از مصادیق آیه به شمار می آورند و می گویند: آیه، بیانگر قاعده عمومی رجوع جاهل به عالم است.

اشکالات تفسیر اهل ذکر به اهل کتاب

اولا اینکه از سیاق آیات کمک گرفته شده که مخاطب در فاسئلوا الذکر مشرکان و منظور از اهل ذکر اهل کتاب هستند، با توجه به محذوراتی که دارد نمی تواند حجت باشد. علاوه بر اینکه مواردی در قرآن وجود دارد که آیه در شأن اهل بیت است، اما از سیاق آیه استفاده نمی شود، مانند: آیه تطهیر ۳۳ احزاب (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا) و مانند آیه بلاغ - ۶۷ مائده

(يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ)

و مانند آیه اِکمال: مائده آیه ۳

(الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)

بررسی تطبیقی دلالت آیه فاستلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فریقین

با بررسی و دقت در صدر و ذیل آیات شریفه معلوم می‌گردد که اینگونه آیات، جدای از قبل از خود و بعد از خود هستند.

و خدای متعال به خاطر اهمیت جایگاه اهل بیت (ع) آیات مربوط به آن ذوات مقدسه را، به صورت جمله‌ی معترضه، در جای جای قرآن قرار داده است.

بنابر این، با استناد به سیاق، نمی‌توان روایات را کنار گذاشت. چنانکه امام محمدباقر (ع) می‌فرماید: إِنَّ الْآيَةَ أَوْلَاهَا فِي شَيْءٍ وَ آخِرَهَا فِي شَيْءٍ وَ هُوَ كَلَامٌ مُتَّصِلٌ يَتَصَرَّفُ عَلَى وَجْهِ (بحار، ج ۸۹، ص ۹۵)؛ همانا اول آیه در مورد چیزی است و پایان آیه چیز دیگر و آن کلام، متصلی است که بر وجه مختلف حمل می‌شود.

ثانیا خداوند تبارک و تعالی، در هیچ آیه‌ای از اهل کتاب، به اهل ذکر تعبیر نفرموده است، بلکه در ۲۴ مورد از یهود و نصاریٰ به اهل الکتاب و در یک مورد به اهل الانجیل (مائده، ۴۷) و در یک مورد به (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا) (جمعه آیه ۶) یاد کرده است و در یک مورد فرموده است: (وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ) (انبیاء آیه ۴۸).

ممکن است گفته شود چون در این آیه شریفه، عنوان ذکر بر تورات صادق است، پس یهودی‌ها اهل ذکر هستند. در پاسخ می‌گوییم ذکر، وصفی است که قابلیت دارد همه کتب آسمانی را به آن، توصیف کرد. منحصر به تورات نیست مانند آیه (إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَ قُرْآنٌ مُّبِينٌ) (یس، ۶۹) چنانکه بر رسول گرامی اسلام هم اطلاق می‌شود. (قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا (۱۰) رَسُولًا يَتْلُوهُ...) (طلاق آیه ۱۱ و ۱۰) بنابراین از مطالعه آیات قرآن به دست می‌آید که خداوند متعال، از یهود و نصاریٰ، با عنوان یا اهل الکتاب و یا اهل الانجیل و یا ایها الذین هادوا یاد می‌کند و هرگز از واژگانی چون اهل ذکر، که بار ارزشی فراوانی دارند، یاد نمی‌کند. ائمه (ع) که عدل قرآن هستند، با کسانی که اهل ذکر را به اهل کتاب تفسیر می‌نمودند، به شدت مخالفت می‌کردند. نمونه‌هایی از روایات در بخش پایانی مقاله ارائه گردیده است.

نکته سوم در این باره، این است که خداوند متعال، اهل ذکر را به طور مطلق [بدون هیچ قید و شرطی]، مرجع علمی قرار داده است، یعنی هرچه اهل ذکر بیان کردن شما آن را بپذیرید و این پذیرش، نسبت به اهل کتاب صحیح نیست، زیرا مرجع علمی باید دارای دو شاخصه‌ی صدق خبری و صدق مخبری باشد؛

و به شهادت آیات متعدد در قرآن، اهل کتاب فاقد هر دو ویژگی بودند مانند:

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (آل عمران ۷۱)

وَ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ءَامِنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ جِهَ النَّهَارِ وَ أَكْفَرُوا ءَاخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (آل عمران ۷۲)
وَ دَّت طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَ مَا يَضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ (آل عمران ۶۹)

آیا صحیح است که خدای سبحان، مشرکان را به کسانی ارجاع دهد که، سیره مستمره آنها، مشوه جلوه دادن حق و کتمان حق باشد؟!

آیا درست است که خدای متعال، مشرکان را به کسانی ارجاع دهد که هم ضال و هم مضل بودند؟!

فراوان در قرآن کریم از اهل کتاب نکوهش شده است، مانند آیات ۸۹ سوره بقره: وَ لَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَ كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ (بقره ۸۹)
الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَ إِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (بقره ۱۴۶)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الْهُدَىٰ مِنَ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّعْنُونَ (بقره ۱۵۹)

کسانی که پیامبرگرمی اسلام را، مانند فرزندان خود می شناختند و می دانستند که فرستاده خداست، باز کتمان حق می کردند، آیا می توانستند مرجع علمی برای مشرکان مکه باشند؟ هرگز نمی توانستند گزارشگر صادق باشند، اساساً اهل کتاب، منتظر بعثت آخرین فرستاده خداوند بودند، اما با بعثت رسول گرمی اسلام به ایشان ایمان نیاوردند؛ تنها عاملی که باعث می شد مشرکان با اهل کتاب متحد باشند، دشمنی با رسول گرمی اسلام بود، نه داوری در بشری بودن انبیاء.

اگر کسی بگوید در بعضی از آیات قرآن کریم، از اهل کتاب به عظمت یاد شده است، مانند: لِيُسَوِّا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ ءَايَاتِ اللَّهِ ءَانَاءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ. (آل عمران ۱۱۳)

(يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ. (آل عمران ۱۱۴)

پیشگامی
در راه حق

بررسی تطبیقی دلالت آیه فاسئلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فریقین

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ. (آل عمران ۱۹۹)
وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَ مِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ. (مائده ۶۶)

در جواب گفته می شود، آیات فوق الذکر، در مقام تعریف اهل کتاب در حالی که یهودی یا مسیحی بودند نمی باشد. مراد از من اهل کتاب اُمَّةٌ قائمة، کسانی هستند که، پیش تر یهودی یا مسیحی بوده و اکنون اسلام آورده اند؛ یعنی تعبیر [اهل کتاب]، مانند مشتقی است که، «انقضی عنه المبدأ» نظیر «و آتو الیتامی اموالهم...» که اطلاق یتیم بر بالغ کنونی به لحاظ گذشته است؛ یعنی اینان که دارای اوصاف هشتگانه و از صالحان ند، بیشتر اهل کتاب بوده و اکنون اسلام آورده اند. (عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۵، ص ۳۸۹.)

«اهل کتاب با وصف اهل کتاب نمی توانند در زمان بعثت رسول گرامی اسلام صالح باشند، چون در هر عصر و زمانی، عمل همان معصوم معیار است.» (عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۴، ص ۷۳۹)

پس از بعثت رسول گرامی اسلام، اهل کتاب، انسان های صالح نبودند، چون طبق شریعت حضرت رسول الله (ص) عمل نمی کردند.

اما آیه ۶۶ سوره مائده، که برکات آسمانی را منوط به اقامه تورات و انجیل کرده، نمی تواند بیانگر عظمت اهل کتاب در زمان بعثت رسول گرامی اسلام باشد زیرا اقامه تورات و انجیل وقتی صحیح است که، نسخ نشده باشند و با بعثت رسول گرامی اسلام، تورات و انجیل نسخ شده است، پس اقامه آن صحیح نیست.

آیه ۶۶ سوره مائده بیانگر اوصاف اهل کتاب قبل از بعثت رسول گرامی اسلام است، یعنی اگر در آن زمان اقامه تورات و انجیل می کردند خداوند برکات را بر آنها نازل می کرد.

كما اینکه قرآن کریم می فرماید: (وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ)

اینگونه آیات می فرماید: ایمان و اعمال انسانها در عنایات و الطاف الهی تأثیر دارد، هر قدر ایمان و عمل خالص تر بود، عنایات و توجهات ذات اقدس اله بیشتر می شود.

بنابر این مقصود از اهل ذکر نمی تواند اهل کتاب باشد.

۲. مطلق اهل علم اهل ذکرند

اگر آیه فاستلو اهل الذکر را، جدای از آیات قبل و بعد در نظر بگیریم و بگوئیم: آیه از سه حیث سائل و مسئول و مسئول عنه عام است، محذوری که دارد این است که، اگر پرسش از اهل ذکر واجب است، اعتماد به جواب نیز باید واجب باشد. و قبول این مسأله مشکل است. تنها در صورتی می توان آیه را بطور مطلق پذیرفت که، مسئول معصوم و دارای علم لدنی باشد. و برای این امر، مصداقی غیر از اهل بیت وجود ندارد، با توجه به روایاتی که در باره جایگاه علمی و دینی اهل بیت داریم مرجعیت علمی اهل بیت برای پاسخگویی به پرسش های دینی قطعی خواهد بود.

۳. اهل ذکر اهل بیت علیهم السلام هستند

عده ای از مفسران بر اساس روایات منقول از پیامبر اکرم (ص) و ائمه ع مصداق اهل ذکر را اهل بیت می دانند. (ر.ک. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص: ۴۲۴ تفسیر الصافی ج ۳، ص: ۱۳۶؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص: ۲۵۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص: ۵۷)

تعداد روایاتی که در هر یک از کتب روایی شیعه و سنی در این باره آمده است چنین است: بصائر الدجات ۲۸ روایت (ص ۵۷) اصول کافی ۹ روایت (الکافیج : ۱ ص : ۲۱۱-۲۱۰) البرهان فی تفسیر القرآن ۲۲ روایت. تفسیر نورالثقلین ۱۷ روایت (ج ۴ ص ۴۳۲). تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب ۱۴ روایت. بحارالانوار ۶۴ روایت در مجلدات مختلف، و شواهد التنزیل ۸ روایت (ج ۱ ص ۴۳۲) وسائل الشیعه ۴۳ نقل کرده اند. و مناقب الإمام أمير المؤمنين (ع) سه روایت؛ تفسیر الثعلبی یک روایت (ج ۶ ص ۲۷)؛

مجموع این روایات که از پیامبر اسلام (ص) و ائمة صلوات الله علیهم اجمعین رسیده، اگر به حد تواتر نرسند، در حد استفاضه هستند و می توان به آنها اعتماد کرد.

طبقه بندی روایات

این نوع روایات که در کتب متعدد حدیثی به دهها عدد می رسند، حول چهار محور قابل دسته بندی هستند:

۱. روایاتی که پیامبر را ذکر و اهل بیت (ع) را اهل ذکر معرفی می کند.
۲. روایاتی که قرآن را ذکر و اهل بیت (ع) را اهل ذکر معرفی می نماید.

بررسی تطبیقی دلالت آیه فاسئلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فریقین

۳. روایاتی که می‌گویند یهود و نصاری اهل ذکر نیستند.

۴. طایفه‌ای که شأن نزول آیه را بیان می‌کنند.

در این جا نمونه‌هایی از روایات را از منابع حدیثی شیعه و سنی نقل می‌کنیم:

الف: روایاتی که رسول گرامی اسلام را ذکر و ائمه را اهل ذکر معرفی می‌نماید:

امام باقر (ع) درباره آیه (فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) فرمودند: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) 6 الذِّكْرَ أَنَا وَالاثْمَةُ أَهْلُ الذِّكْرِ.. (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۳).

ابن کثیر می‌گوید: از امام صادق (ع) درباره (فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) پرسیدم قَالَ الذِّكْرَ مُحَمَّدٌ (ص) وَنَحْنُ أَهْلُهُ الْمَسْئُولُونَ قَالَ قُلْتُ قَوْلُهُ «وَ أَنَّهُ لَذِكْرُ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ صَوْفَ تُسْأَلُونَ قَالَ إِيَّانَا عَنِّي وَ نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ وَ نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ. (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۴).

از امام باقر (ع) در باره آیه شریفه (فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) سوال شد فرمود: هم الاثمة من عتره رسول الله 6 و تلا انزلنا علیکم ذکراً رسولاً... (حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفصیل، ج ۱، ص ۴۳۷).

روایات فراوانی با این مضمون، در منابع شیعه و سنی وارد شده است و ما به همین سه روایت اکتفا کردیم.

در باره این نوع روایات، این نکته ادبی مهم است که، معرفه بودن خبر، دلیل بر منحصر بودن مبتدا در خبر است. در روایات مذکور جملات این چنین هستند. وقتی رسول خدا (ص) می‌فرماید: الذکر أنا؛ معنایش این است که من تنها مصداق ذکر هستم.

«و الاثمة اهل الذکر» باز سخن از حصر و انحصار است، چون اگر پیامبر (ص) می‌خواست فقط بفرماید، ائمه هم مانند دیگران اهل ذکر هستند، می‌فرمود: «و الاثمة من اهل الذکر»، یعنی اهل ذکر مصداق فراوانی دارند و یک گروه آن ائمه اطهار می‌باشند و حال آنکه پیامبر فرمود «و الاثمة اهل الذکر». وقتی که امام جعفر صاد (ع) Δ می‌فرماید: «إِيَّانَا عَنِّي وَ نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ وَ نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ» از صدر و ساقه این سخنان گهربار حصر استفاده می‌شود، چون هم سیاق این گونه روایات انحصار را بیان می‌کند و هم سیاق کلمات و جملات اینگونه است.

این تفسیر برای اهل ذکر، با الهام از قرآن کریم است که، رسول خدا را ذکر و اهل بیت را اهل ذکر معرفی نموده‌اند.

در سوره طلاق ۱۱ - ۱۰ از رسول گرامی اسلام به ذکر تعبیر شده است.

ب: روایاتی که قرآن را ذکر و ائمه را اهل ذکر معرفی می نمایند.

از امام صادق (ع) درباره آیه فسالوا اهل الذکر این کنتم لاتعلمون سوال شد، فرمود: الذکر قرآن و آل الرسول اهل الذکر و هم المسئولون.

همچنین امام جعفر صادق (ع) می فرماید: الكتاب الذکر و اهله آل محمد (ص) أمر الله عزوجل بسؤالهم ولم يؤمرا بسؤال الجاهل و سم الله عزوجل القرآن ذكراً، فقال تبارک و تعالی: انزلنا اليك الذکر لتبين للناس ما نزل اليهم و لهم يتفكرون (بصائر الدرجات، ص ۶۲)

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ رَبِيعٍ عَنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَفِيقُ بْنُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنَّهُ لَذِكْرُكَ وَلِقَوْمِكَ وَسُئِلُونَا لَذِكْرِ الْقُرْآنِ وَنَحْنُ الْمَسْئُولُونَ (الكافي ج ۱: ص ۲۱۱-۲۱۰)

در این روایات از کتاب الله، به عنوان ذکر یاد شده و فرزندان معصوم حضرت رسول اکرم (ص)، به عنوان کسانی که مردم باید به پیشگاه آنها بروند و معارف دینی را از آنها اخذ کنند، به اهل ذکر یاد شده است.

اینکه در بعضی روایات پیامبر اکرم (ص) را ذکر دانسته است و در بعضی از روایات، قرآن را ذکر دانسته است با هم منافات ندارند؛ چون رسول اعظم و قرآن کریم، یادآور خدای متعال هستند و اهل بیت هم اهل رسول اکرم هستند و هم اهل قرآن هستند.

ج: روایاتی که می گوید اهل کتاب اهل ذکر نیستند.

محمد بن مسلم از امام باقر (ع) نقل می کند که از امام باقر (ع) پرسیدم إِنَّ مَنْ عِنْدَنَا يَزْعُمُونَ أَنَّ قول الله «فاسألوا اهل الذکر این کنتم لا تعلمون» إِنَّهُمْ الْيَهُودُ و انصارى. فقال اذاً يدعونكم الى دينهم ثم قال بيده الى صدره، نَحْنُ اهل الذکر و نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ قال: قال ابو جعفر الذکر القرآن. (كتاب التفسير، عياشى محمد بن مسعود، ج ۲، ص ۲۶۰، حديث ۳۲. چاپخانه علميه تهران، ۱۳۸۰ قمری؛ بصائر الدرجات، ص ۶۲، ناشر: طليعه نور ۱۴۲۹ قم. عيون اخبار الرضا ع شيخ صدوق؛ ج ۲؛ ص ۲۱۶)

در مجلسی که عده ای از علماء در حضور مأمون عباسی بودند امام رضا (ع) فرمود:

فَنَحْنُ اهلُ الذکر قال الله تعالى «فَسْأَلُوا اهلَ الذکر این کنتم لا تعلمون» فَنَحْنُ اهل الذکر فَسْأَلُونَا این کنتم لا تعلمون فقالت العلماء: إِنَّمَا عَنِ بَذَلِكِ الْيَهُودُ و

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی تطبیقی دلالت آیه فاستلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فریقین

النصارى فقال ابوالحسن سبحان الله و هل يجوز ذلك اذا يدعوننا الى دينهم و يقولون إنه افضل من دين الاسلام؟

فقال مأمون: فهل عندك شرع بخلاف ما قالوا يا اباالحسن؟ فقال نعم
الذكر رسول الل (ص) و نحن اهله، و ذلك بين في كتاب الله عزوجل حيث يقول
في سورة الطلاق (فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ءَامَنُوا قَدْ أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ
ذِكْرًا شَوْلاً يَتْلُوا عَلَيْكُمْ ءَايَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ) فالذكر رسول الله (ص) و نحن اهله
(عيون الاخبار الرضا (ع)، ج ١، باب ٢٣، ص ٢٣٩. نورالثقلين، ج ٣، ص ٥٨)

این طایفه از روایات بیانگر این است که، ائمه اطهار (ع) با طرز تفکری که اهل ذکر را اهل کتاب می‌داند، شدیداً مبارزه می‌کردند و در فرصت‌های مناسب، به عبارات مختلف بیان می‌کردند که، منظور از اهل الذکر در قرآن کریم ما هستیم و تنها مرکزی که خداوند دستور داده به آنجا مراجعه شود، اهل بیت عصمت و طهارت می‌باشند.

د:روایت شأن نزول:

دسته آخر روایتی است که شأن نزول آیه را بیان می‌کند.

البرهان فی تفسیر القرآن (البرهان فی تفسیر القرآن، ج ٣، ص ٤٢٨) چنین نقل می‌کند:

قال ابن شهر آشوب نقل فی تفسیر یوسف القطان عن وکیع، عن الثوری، عن
السدى قال: كنت عند عمر بن الخطاب اذ أقبل عليه كعب الأشرف و مالک بن
الصيف و جی بن أخطب، فقالوا: إن فی کتابکم: و جنة عرضها السماوات و
الارض. (آل عمران ١٣٣)

اذا كان سبعة جنة واحدة كسبع سموات و سبع ارضين فالجنان كلها يوم القيامة
این تکهون؟

فقال عمر: لا أعلم، فبيناهم فی ذلك اذ دخل علی (ع)

فقال فی ای شیی أنتم؟

فألقي اليهود المسألة علیه، فقال لهم «خبروني أن النهار اذا اقبلی الليل أين يكون
[والليل اذا اقبل النهار این يكون]» قالوا له: فی علم الله تعالى يكون فقال علی
(ع) «كذلك الجنان تكون فی علم الله»

فجاء علی (ع) الی النبی (ص) و أخبره بذلك فَنَزَلَ فَسَأَلُوا أَعْلَى إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.^۱ (المناقب ۲: ۳۵۲. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۲۸)

از این روایت چند نکته استفاده می‌شود:

اولاً: این روایت دلالت می‌کند که آیه در شأن امیرالمؤمنین (ع) نازل شده است.

ثانیاً: حضرت علی (ع) را اهل ذکر می‌داند.

ثالثاً: خطاب در فَسَأَلُوا را، مخصوص گروه خاصی مانند مشرکین نکرده است و همه باید از اهل ذکر معارف خود را بگیرند.

مقدار دلالت حدیث، اثبات اهل ذکر برای امیرالمؤمنین (ع) است و نفی اهل ذکر بودن دیگران نمی‌کند، اما با اضافه کردن این نوع روایات به بقیه روایات، خدشه‌ای به دلالت - این روایت وارد نمی‌شود. (شرح احقاق الحق، تستری، السیدالمرعشی، تحقیق: تعلیق: السیدشهاب الدین المرعشی النجفی منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي - قم - ایران
عده ای از علمای شیعه، این روایات را حداقل در حد مستفیض می‌دانند. (ر.ک. احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۸۳ مرتضی، انصاری، فرائدالاصول، ج ۱، ص ۲۹۱. عبدالحسینی، شرف‌الدین موسوی، المراجعات، ص ۶۹).

برخی از علمای اهل سنت، با نقل این روایات بر اهمیت آنها صحه گذاشتند.

حافظ محمد بن موسی شیرازی از ابن عباس نقل کرده است، مقصود از اهل ذکر در آیه فاسئلوا اهل الذکر هو محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسين هم اهل الذکر و العلم و العقل و البیان و هم اهل بیت النبوة و معدن الرسالة و مختلف الملائكة، والله ما سَمِيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا إِلَّا كَرَامَةً لِامِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. (وی این روایت را از تفاسیر دوازده‌گانه ای نقل کرده است. -ر.ک. احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۸۳)

علامه طبری می‌گوید حدثنا ابن وکیع قال: ثنا ابن یمان عن اسرئیل عن جابر عن ابی جعفر:

فاسئلوا اهل الذکر إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ قال: نحن اهل الذکر (تفسیر طبری ج ۱۴، ص ۷۵)

علامه ثعلبی کما فی العُمدة لِلْعَلامة ابن بطریق نقل می‌کند جابر جعفی گفت: هنگامی که

آیه فاسئلوا اهل الذکر نازل شد علی (ع) فرمود: نحن اهل الذکر.

بررسی تطبیقی دلالت آیه فاسئلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فریقین

علامه ابن کثیر در تفسیرش ج ۲، ص ۵۷۰ از امام جعفر صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود:

نحن اهل الذکر.

علامه قطان در تفسیرش کما فی کفایة الخصام ص ۳۳۸ چاپ تهران روایت کرد از وکیع عن شوری از سدی که آیه در مورد علی (ع) نازل شده است.

علامه آلوسی در روح المعانی، ج ۷، ص ۳۷۶ از جابر و محمد بن مسلم از امام محمدباقر (ع) نقل کرده است که: اختصاصی اهل الذکر بآئمة اهل البیت

روی ابن مردود عن انس قال سمعت رسول الله (ص): يقول إن الرجل لیصلی و یصوم و یحج و یتمر و أنه لمنافق. قالوا یا رسول الله بماذا دخل علیه النفاق؟ قال؟ یطعن علی امامه و امامه من قال الله تعالی فی کتابه فاسألوا اهل الذکر إن کنتم لاتعلمون (احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۸۳).
۶- حاکم حسانی در شواهد التنزیل، هشت روایت نقل کرده است که، منظور از اهل الذکر، اهل بیت عصمت و طهارت می‌باشند. (شواهد التنزیل لقواعد تفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البیت صلوات الله و سلامه علیهم ج ۱، ص ۴۳۲)

نتیجه

از آنچه گذشت، روشن شد تفسیر اهل ذکر به اهل کتاب، گرچه با سیاق آیه سازگار است، اما دارای اشکالاتی است. اولاً در هیچ آیه ای خداوند متعال، اهل کتاب را اهل ذکر نخواند است؛ ثانیاً خداوند متعال اهل ذکر را، در آیات مذکور به طور مطلق [بدون هیچ قید و شرطی]، مرجع علمی قرار داده است، یعنی هرچه اهل ذکر بیان کردن شما آن را بپذیرد و این پذیرش، نسبت به اهل کتاب صحیح نیست، زیرا مرجع علمی باید دارای دو شاخصه صدق خبری و صدق مخبری باشد. و به شهادت آیات متعدد در قرآن، اهل کتاب فاقد هر دو ویژگی بودند. همچنین، روشن شد آیه فاسئلوا اهل الذکر از سه حیث سائل و مسئول و مسئول عنه نمی تواند عام باشد، زیرا محذورش این است که اعتماد و عمل به پاسخ هر کسی لازم باشد، و این حکیمانه نیست. بنابراین، بهترین تفسیر همان است که روایات بیان کردند و آن رجوع به اهل بیت (ع) است.

بنابر این با دقت در آیه ۴۳ سوره نحل مشخص می‌شود که، آیه در صدد ارجاع مردم به پیامبر و جانشینان معصوم اوست؛ و به نحوی مرجعیت علمی اهل بیت را تأیید می‌کند.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- بیضاوی، عبدالله بن عمر: انوار التنزیل و اسرار التأویل، دار إحیا التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق.
- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد: بحر العلوم، بی جا، بی تا.
- محلی جلال الدین، جلال الدین سیوطی: تفسیر جلالین، مؤسسة النور للمطبوعات، بیروت.
- ابن کثیر دمشقی: تفسیر القرآن العظیم [ابن کثیر]، دارالکتب العلمیه، منشورات، بیروت، ۱۴۱۹ قمری.
- طنطاوی، سید محمد: التفسیر الوسیط للقران الکریم، بی جا، بی تا.
- حقی بروسوی، اسماعیل: تفسیر روح البیان، دارالفکر، بیروت، بی تا.
- نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد: تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج دارالحکمة العلمیه، بیروت، ۱۴۱۶ ق، [ادبی - عرفانی - قرن هشتم - عربی - سنی].
- سیوطی، جلال الدین: الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم ۱۴۰۴ ق.
- ابن خبری غرناطی، محمد بن احمد: کتاب التسهیل لعلوم التنزیل؛ دار الارقم، بیروت ۱۴۱۶ ق.
- زمخشری، محمود: الکشاف عن حقایق عوامض التنزیل، دار الکتاب العربی، بیروت ۱۴۰۷ق.
- طباطبائی، محمد حسین: تفسیر المیزان، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، چاپ گلشن، بهار ۱۳۶۳.
- مکارم شیرازی، ناصر: تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، مکان چاپ تهران، سال چاپ ۱۳۷۴.
- کاشانی، ملافتح الله: زبدة التفاسیر، بنیاد معارف اسلامی، قم، ۱۴۲۳ قمری.
- کاشفی سبزواری، حسین بن علی، سازمان چاپ و انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۶۹.
- عیاشی، محمد بن مسعود: کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه تهران، ۱۳۸۰ قمری، بصائر الدرجات، طلیعه نور ۱۴۲۹ق.
- شیخ صدوق: عیون الاخبارالرضی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۶۲.
- مرتضی، انصاری: رسائل [فرائدالاصول] ص ۸۲، انتشارات مصطفوی، سال ۶۷.
- جوادی آملی، عبدالله: تفسیر تسنیم، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱ش.

بررسی تطبیقی دلالت آیه فاستلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فریقین

- الکلینی، الکافی، تحقیق : تصحیح و تعلیق : علی اکبر الغفاری ۱۳۶۳ ش.
دارالکتب الاسلامیه - طهران
- شواهد التنزیل لقواعد تفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البيت صلوات الله و سلامه علیهم،
بیروت - لبنان - دار احیاء التراث العربی
- مفردات الفاظ القرآن لکریم، راغب اصفهانی ص ۳۲۸؛ ناشر: طلعه نور - نوبت چاپ -
چهارم، ۱۴۲۹
- بحار الأنوار، مجلسی، قرن یازدهم، مؤسسة الوفاء بیروت - لبنان سال انتشار : ۱۴۰۴ قمری.
- تفسیر نور الثقلین، عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، قرن: یازدهم، ناشر: انتشارات
اسماعیلیان، مکان چاپ: قم، سال چاپ: ۱۴۱۵ ق، نوبت چاپ: چهارم.
- مفاتیح الغیب، فخرالدین رازی ابوعبدالله محمد بن عمر، قرن: ششم، ناشر: دار احیاء التراث
العربی، مکان چاپ: بیروت، سال چاپ: ۱۴۲۰ ق، نوبت چاپ: سوم





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی